

بررسی جغرافیای الگوی رأی‌دهی در ایران (با تأکید بر انتخابات دوره هفتم تا یازدهم ریاست جمهوری)

سعیده امینی^۱

چکیده

مقاله حاضر درصدد پاسخ به این پرسش است که الگوی رأی‌دهی مشارکت انتخاباتی ایران در قالب گرایش سیاسی (اصلاح‌طلبی و اصول‌گرایی) چگونه است و چه استان‌هایی گرایش به اصلاح‌طلبی و کدام یک تمایل به اصول‌گرایی دارند. در این مقاله از روش تحلیل ثانویه استفاده شده و مطالعه‌ای اکتشافی پیرامون آمارهای مشارکت انتخاباتی بر پایه مشارکت بین دوره‌ای و درون‌دوره‌ای از دوره هفتم تا یازدهم ریاست جمهوری صورت گرفته تا در پرتو آن چستی واقعیت سیاسی جامعه ایران از منظر مشارکت انتخاباتی مشخص گردد. یافته‌های حاصل از کندوکاوهای آماری آرا نشان می‌دهد: در مجموع از بین استان‌های کشور، استان‌های آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل، ایلام، سیستان و بلوچستان، کردستان، کرمانشاه، گلستان، فارس، یزد، بوشهر و هرمزگان استان‌های اصلاح‌طلب و استان‌های اصفهان، چهارمحال و بختیاری، زنجان، سمنان، قم، قزوین، کهگیلویه و بویر احمد، مرکزی، همدان و خراسان استان‌های اصول‌گرا هستند و تهران، گیلان و کرمان دارای تمایل بیشتر به اصلاح‌طلبی و لرستان، خوزستان و مازندران متمایل به اصول‌گرایی هستند.

واژگان کلیدی: مشارکت انتخاباتی، جغرافیای انتخابات، الگوی رأی‌دهی، اصلاح‌طلبی و اصول‌گرایی

فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی • سال چهارم • شماره هفدهم • زمستان ۹۴ • صص ۱۷۹-۱۵۹

تاریخ دریافت مقاله: ۹۴/۴/۱۶ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۴/۷/۲

۱. استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی (saeedeh.amini280@gmail.com)

مقدمه

رای‌دهی و مشارکت انتخاباتی بارزترین شکل مشارکت سیاسی و در عین حال تعیین‌کننده‌ترین صورت آن است. مشارکت انتخاباتی عمدتاً ارتباط سطحی و گذرای افراد با دنیای سیاست توصیف می‌شود. با این حال هرچند عمق مشارکت سیاسی در این بخش تنک‌مایه است، گستره وسیع توده‌های جامعه را در بر می‌گیرد. سطوح عالی‌تر مشارکت نظیر کاندید شدن برای یک موقعیت سیاسی یا عضویت فعال و غیر فعال در احزاب، به صورت عمده در سطح نخبگان جامعه جریان دارد و از عمق بیشتری برخوردار است، اما دامنه آن محدودتر است. در انتخابات الگوهای رفتاری متفاوتی بروز می‌کند و همین امر فراز و فرودهای انتخاباتی را در جامعه رقم می‌زند. انعکاس این الگوها و فراز و نشیب آن را در گزینش نخبگان سیاسی می‌توان یافت. هر یک از این نخبگان غالباً نماینده یک گرایش و جناح سیاسی بوده و انتخاب آنها از سوی مردم مبین گزینش یک جناح سیاسی در مقابل جناح دیگر است. تاریخ مشارکت انتخاباتی ایران نشان می‌دهد که برخی از انتخابات‌ها با پیروزی اصلاح‌طلبان همراه بوده و در برهه‌هایی دیگر اصول‌گرایان برنده میدان رقابت بوده‌اند. به‌عنوان نمونه انتخابات مجلس چهارم، هفتم و هشتم، همچنین ریاست‌جمهوری آیت‌الله هاشمی رفسنجانی و احمدی‌نژاد انتخابات‌های منتسب به اصول‌گرایان و انتخابات‌های مجلس سوم، ششم و ریاست‌جمهوری آقایان خاتمی و روحانی منتسب به اصلاح‌طلبان بوده است. آنچه دغدغه مقاله حاضر را تشکیل می‌دهد، ترسیم سیمای گرایش جناحی استان‌های کشور در قالب توصیف ترجیحات سیاسی استان‌ها در زمان انتخاب کاندیدای منتسب به یک جناح خاص است. ترسیم این سیمای محصول مذاقه در آمارهای مربوط به کاندیداهای منتخب ریاست‌جمهوری از دوره هفتم تا یازدهم است تا با اتکا به آن، در حد توان اطلس جغرافیای انتخابات در ایران ترسیم گردد و پهنه‌بندی گرایش‌های جناحی استان‌ها در قالب استان‌های اصلاح‌طلب و اصول‌گرا و استان‌های با تمایل بیشتر به اصلاح‌طلبی و اصول‌گرایی ارائه گردد.

۱. پیشینه تحقیق

جغرافیای انتخابات و ترسیم فضایی احزاب و گرایش‌های سیاسی دغدغه بسیاری از نظریه‌پردازان بوده است. به بیان پاتی و جانستون^۱ (۲۰۰۷)، جغرافیای انتخابات تعامل فضا، مکان و فرایندهای انتخاباتی است. تیلور و جانسون (۱۹۷۹) سه کانون عمده علایق جغرافیایی را در مطالعات انتخاباتی مشخص کرده‌اند: عرصه اول بر جغرافیای رأی‌دهی بر پایه تحلیل‌های آماری تأکید دارد که مشخص کننده و بیان کننده الگوهایی است که حین چرخه‌های انتخاباتی روی می‌دهند. عرصه دوم تأثیر عوامل جغرافیایی بر رأی‌دهی است و سومین بخش، جغرافیای نمایندگی است که بر مرزهای حوزه‌های انتخاباتی تأکید دارد.

با مروری بر پیشینه تحقیقات جغرافیای انتخابات مشاهده می‌شود که حداقل یکی از این عرصه‌ها مورد توجه بوده است. آگنیو^۲ (۱۹۹۰) یک عرصه دیگر را به سه کانون مورد توجه تیلور و جانسون اضافه کرده است. او در مطالعه‌ای با عنوان «جغرافیای احزاب سیاسی (۸۷-۱۹۹۰)»، بر رابطه بین جغرافیای برگزاری انتخابات و جغرافیای بسیج و سازماندهی احزاب سیاسی تأکید کرده است. او همچنین در سال ۱۹۹۶ بیان می‌کند که محققان را نمی‌توان با مشخص نمودن نتایج انتخابات بر روی نقشه قانع کرد، بلکه آن نتایج را باید با جغرافیای فرهنگی و اجتماعی ترکیب کرد تا فهم عمیقی از کل فرایند انتخابات در یک مکان خاص حاصل شود. در این زمینه فلینت^۳ (۱۹۹۶) معتقد است: ترکیب نظریه‌های جغرافیایی با رفتار انتخاباتی، مطالعات انتخاباتی را به یک حوزه تحقیقاتی مفید و عمیق مبدل می‌کند.

اثر دیگر در حوزه جغرافیای انتخابات، مطالعه پالین و رایت^۴ (۱۹۳۲) است که اطلس جغرافیای انتخابات ایالات متحده را با تأکید بر انتخابات ریاست جمهوری در آمریکا چاپ کردند. پری اسکات^۵ (۱۹۵۹) نتایج مطالعاتش پیرامون انتخابات را بر روی نقشه پیاده کرد. مطالعه او علاوه بر آنکه الگوی پیچیده تفاوت‌های ناحیه‌ای را نشان داد تشخیص توزیع فضایی وابستگی حزبی را نیز آسان ساخت. برای نخستین بار ترکیب شواهد عینی و

-
1. Pattie & Johnston
 2. Agnew
 3. Flint
 4. Paullin & Wright
 5. Prescott

تفسیرهای سیاسی به افراد جامعه این امکان را داد که از الگوی فضایی - سیاسی سراسر آمریکا نتایج را استنباط کنند.

یکی از کلاسیک‌ترین آثار در حوزه جغرافیای انتخابات به آندره زیگفريد - دانشمند علوم سیاسی فرانسوی - اختصاص دارد که بنیانگذار جغرافیای انتخابات به‌عنوان یک رشته دانشگاهی بود و در مطالعه خود تحلیلی را درباره الگوهای رأی‌دهی در سراسر فرانسه ارائه داد. به زعم وی، با تحلیل زمینه یا محیطی که الگوهای رأی‌دهی در آن وجود دارد، می‌توان روندهای اجتماعی جاری در آن محیط‌های خاص را شناسایی کرد. او با تلفیق نقشه‌های تطبیقی حمایت حزبی، به همراه مشخصات جغرافیای طبیعی، اجتماعی و اقتصادی به ترسیم نقشه رفتار رأی‌دهی پرداخت.

اثر عمده و کلاسیک دیگر در این حوزه مربوط به تینگستون^۱ سوئدی است که از داده‌های آماری برای تحلیل جغرافیای انتخابات استفاده کرد. او از اولین کسانی بود که برای تبیین الگوهای رأی‌دهی داده‌های اجتماعی و انتخاباتی را با هم مقایسه کرد. در سال ۱۹۴۹ وی. او. کی مطالعه‌ای را پیرامون الگوهای انتخاباتی ایالات جنوبی ایالات متحده انجام داد. اکثر تحقیقات ایالات جنوبی که قبل و در جریان جنگ داخلی انجام شد، بر نقش نژاد تأکید داشتند، کی دریافت که الگوهای انتخاباتی بیشتر بر پایه جغرافیای فیزیکی هستند تا ویژگی‌های نژادی. در نهایت مطالعات وی نشان داد که رأی‌دهندگان بیشتر تمایل دارند کاندیدایی را از منطقه نزدیک خود انتخاب کنند تا از سایر ایالات یا بخش‌های کشور. همچنین او در مطالعه دیگری که در سال ۱۹۵۵ انجام داد، شاهد نوعی تغییر موضع بین رأی‌دهندگان ایالات جنوبی بود. یافته‌های مطالعه وی از تغییر موضع جنوب از دموکرات‌ها به سمت حمایت از جمهوری خواهان در دهه ۱۹۶۰ بود (Macgin, 2012).

در سال‌های اخیر وندرموت و لاک هارت^۲ (۲۰۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «جغرافیای انتخابات اروپای شرقی» به وضعیت منطقه‌ای احزاب اشاره کردند. در این مقاله راست و چپ معیار طبقه‌بندی احزاب لحاظ شد. بر این اساس سه گروه از احزاب (چپ‌ها شامل اکولوژیست‌ها، راست میانه‌رو یا معتدل و راست کلاسیک، راست پوپولیست و راست افراطی) مشخص شدند. یافته‌ها نشان دادند که در مادرشهرها در مقایسه با نواحی پیرامونی،

1. Tingston

2. Vandermotten & Lockhart

تمایل به چپ بیشتر است. امروزه الگوی رأی‌دهی روشنفکرانه غالباً در حوزه‌های شهری و پیراشهری قرار دارد. الگوی رأی‌دهی راست میانه و راست کلاسیک به دو مکان عمده اختصاص دارد: مناطق محافظه کار اروپای میانه و مناطق روستایی پیرامون یعنی مناطقی که در آن کارگاه‌های کوچک خانوادگی و اعمال دینی محافظه کار رواج دارد. در مقیاس اروپایی راست پوپولیست جدید در نواحی مرکزی نسبت به راست افراطی حضور پررنگی دارد. با این حال راست افراطی در برخی نواحی مرکزی و محروم شهری و نواحی قدیمی صنعتی نیز حضور دارد.

لچ و همکارش^۱ (۲۰۱۱) در مقاله «جغرافیای انتخابات به‌عنوان ابزار جدید تحلیل تحول اجتماعی؛ مطالعه موردی شهر کراکو و مالوپسکی»^۲ چهار حزب سیاسی (جناح چپ، لیبرال، پوپولیست و جناح راست) را در هلند مشخص کرده‌اند. در این مقاله قوام یافتن هویت سیاسی و فرهنگی و تغییرات تدریجی موجود در آن با مقایسه گزینه‌های انتخاباتی گزینش شده از طرف مردم نشان داده می‌شود. به بیان دیگر، نویسندگان مقاله در جست‌وجوی یافتن تغییرات تدریجی اجتماعی و فرهنگی از کانال گزینه‌های انتخابی مردم هستند.

در حوزه تحقیقات داخلی مقالاتی که در زمینه جغرافیای انتخابات هستند، پیشگاهی فرد (۱۳۷۲) و کاویانی (۱۳۸۶) عمدتاً متغیرهای فضایی و جغرافیایی را مد نظر قرار داده‌اند، اما در مقاله حاضر عنوان جغرافیا صرفاً به استان‌های کشور اشاره دارد و عمدتاً شاخص‌های سیاسی و فرهنگی مورد توجه است. همچنین تحقیقاتی که در حوزه مشارکت سیاسی در ایران (پناهی، ۱۳۸۶؛ فاضلی و خوشفر، ۱۳۸۸؛ هاشمی و دیگران، ۱۳۸۸؛ آل‌غفور، ۱۳۸۸؛ معمار، ۱۳۸۷؛ مقصودی، ۱۳۸۵) انجام شده، عمدتاً به تبیین رفتار رأی‌دهی و یا بررسی این مقوله در میان گروه‌های مختلف اجتماعی پرداخته، اما حلقه مفقوده در این حوزه فقدان تحلیل این امر از بطن آمارهای مشارکت انتخاباتی است تا با اتکا به آنها و بدون وابستگی به نظریه‌های مشارکت سیاسی و الگو گرفتن از آنها رفتار رأی‌دهی ایرانیان بررسی شود. هدف مقاله حاضر توصیف الگوی رأی‌دهی ایرانیان در انتخابات ریاست جمهوری به بیان پهنه‌بندی‌های جغرافیایی است که این سطح از بررسی به بیان تیلور و جانسون (۱۹۷۹)

1. Lech & Haydukiewicz
2. Krakow & Maloposkie

عرصه اول جغرافیای انتخابات است که بر جغرافیای رأی‌دهی بر پایه تحلیل‌های آماری تأکید دارد و مشخص‌کننده و بیان‌کننده الگوهایی است که حین چرخه‌های انتخاباتی روی می‌دهند.

۲. مبانی مفهومی

این بخش از مقاله پیرامون مفاهیمی نظیر جناح‌بندی سیاسی، گرایش سیاسی و پیوند این دو مفهوم با یکدیگر و نحوه تکوین جناح‌بندی سیاسی در ایران است. از جمله مفاهیم محوری در مقاله حاضر اصطلاح جناح و جناح‌بندی سیاسی است. اصطلاح جناح‌بندی در سه مفهوم استفاده شده است: گروه‌بندی داخلی یک حزب سیاسی، گروه‌بندی در جنگ داخلی و رقابت در داخل یک نظام حکومتی (برزین، ۱۳۷۷: ۵). تعبیر مورد نظر در مقاله حاضر، مفهوم سوم یعنی رقابت داخل نظام حکومتی کشور است. در ادبیات سیاسی موجود در ایران، از اصطلاح جناح و جناح‌بندی به معانی مختلفی تعبیر شده است. این مفهوم از دو منظر مثبت (رقابت سیاسی) و منفی (تفرقه و اختلاف) ارزیابی می‌شود. جایابی مثبت یا منفی از یک مفهوم در ذهنیت سیاسی یک جامعه بستگی به نحوه تکوین جناح‌های سیاسی و رابطه آنها با یکدیگر دارد. جناح‌بندی سیاسی و گرایش به تکرار در جامعه‌ای که به بیان هانتینگتون از نهادمندی سیاسی برخوردار است، زمینه‌ساز توسعه سیاسی خواهد شد، اما جامعه‌ای که فاقد نهادمندی سیاسی است، رابطه جناح‌ها بر پایه رقابت نیست و خصومت در بین آنان جریان دارد. البته در جوامع در حال گذار که تنها سطوحی از نهادمندی را تجربه کرده‌اند، روابط جناح‌های سیاسی بین خصومت و رقابت در نوسان است. خصومت و رقابت جناح‌های سیاسی درون جامعه در ذهنیت افراد جامعه رسوخ می‌کند و گرایش و جهت‌گیری سیاسی آنها را شکل می‌دهد. گرایش‌های سیاسی افراد یک جامعه محصول جامعه‌پذیری سیاسی آنان است. به عبارت دیگر، اجتماعی شدن افراد و تکوین گرایش‌های سیاسی آنان تابع رابطه رقابتی یا خصمانه میان جناح‌های سیاسی است. رقابت و خصومت میان جناح‌های سیاسی در هر جامعه‌ای ریشه در تحولات سیاسی و تاریخی آن جامعه دارد. در ایران پس از انقلاب با وقوع انشعاب در میان نیروهای انقلابی دو جناح عمده سیاسی (اصلاح‌طلبان و اصول‌گرایان فعلی) شکل گرفتند. از هم‌گیسختگی ائتلاف انقلابیون پس از وقوع انقلاب به زعم نظریه‌پردازانی نظیر زیمرمن (۱۹۹۱)، تیلی (۱۳۸۵)، فورن و گودوین (۱۳۸۵) و گلدستون (۱۳۸۵) سرنوشت محتوم انقلاب‌هاست. در جامعه

ایران روایت از هم‌گیسختگی ائتلاف و رخداد تکثر در بین نیروهای انقلابی از ظهور چهار بلوک قدرت در صحنه سیاسی حکایت داشت: احزاب هوادار سوسیالیسم، احزاب و گروه‌های سکولار و لیبرال متعلق به طبقه متوسط جدید، گروه‌های اسلام‌گرای رادیکال طبقه روشنفکران و تحصیلکردگان، احزاب غیرلیبرال و اسلام‌گرای متعلق به روحانیت سیاسی (بشیریه، ۱۳۸۱). این چهار عنصر در گفتمان انقلاب اسلامی با وجود تفاوت موضع و دیدگاه، در مقابل رژیم شاهنشاهی قرار گرفتند. اما اندکی پس از انقلاب، تشتت آرا میان آنان برجسته‌تر شد و نیروهای انقلابی به تدریج از متن گفتمان انقلاب اسلامی خارج شدند و در حاشیه قرار گرفتند. از بین این چهار نیرو، نخست دو گروه به حاشیه رفتند و گروه‌های لیبرال و اسلامی در گفتمان انقلاب اسلامی دست به ائتلاف زدند. اما ائتلاف بین این دو گروه بر سر شکل حکومت و ماهیت سیاست داخلی و خارجی پس از گذشت کمتر از یک سال از پیروزی انقلاب اسلامی از هم گسیخت. همین امر فضای سیاسی کشور را در آستانه رقابت‌های انتخاباتی دومین دوره مجلس در اختیار نیروهای انقلابی اسلام‌گرا قرار داد (سهرابلو، ۱۳۹۰). در آستانه انتخابات مجلس سوم، اختلافات نیروهای اسلام‌گرا که از سال ۶۶-۱۳۶۰ وجود داشت، شرط لازم را برای انشعاب این نیروها فراهم آورد و در نهایت اختلاف بر سر یک کاندیدا در انتخابات مجلس سوم، شرط کافی این جدایی را رقم زد (شادلو، ۱۳۸۱). از آن زمان به بعد، جناح موسوم به راست و چپ در سپهر سیاسی جامعه ایران تکوین یافت. در دوران دوم ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی - اواخر دی‌ماه سال ۱۳۷۴ - گروهی از افراد مستقل جناح راست، غالباً از کارگزاران دولتی، در قالب حزب کارگزاران سازندگی اعلام موجودیت کردند. با وارد شدن کارگزاران سازندگی در صحنه سیاست کشور، گروه دیگری به نام جمعیت دفاع از ارزش‌ها همزمان با آنها پا به عرصه گذاشت (همان). در دوره دولت خاتمی، تشکل جدیدی با نام جبهه مشارکت ایران اسلامی شکل گرفت که محصول تحولات دوم خرداد بود. پس از دوران اصلاحات، یکی از مهم‌ترین مصداق‌های تکثرگرایی در تاریخ سیاسی ایران، آرایش نیروهای سیاسی در آستانه انتخابات نهم ریاست جمهوری بود. نقطه شروع این تکثر باز هم در جناح راست بود که با عنوان جدید اصول‌گرایی در مقابل اصلاح‌طلبان در عرصه سیاسی حضور یافتند (موسوی، ۱۳۸۵). همچنین در انتخابات یازدهم ریاست جمهوری نیز قالیباف به نمایندگی از ائتلاف اصول‌گرایان و روحانی به نمایندگی از ائتلاف

اصلاح طلبان حضور یافتند. بدین ترتیب جناح بندی سیاسی در ایران پس از انقلاب شکل گرفت و به دنبال آن، گرایشات جناحی و سیاسی ایرانیان پیرامون دو جریان عمده شکل گرفت و چرخش نخبگان در جامعه به تبع این گرایشات رقم خورد.

۳. روش پژوهش

بنیان روشی مقاله حاضر، تحلیل ثانویه است. مبنای تحلیل ها میزان مشارکت سیاسی استان ها در یازده دوره ریاست جمهوری است. اولین گام برای تحلیل آمارها و استنباط گرایش جناحی استان ها، طبقه بندی انتخابات مجلس و ریاست جمهوری بود. بدین ترتیب انتخابات مجلس چهارم، هفتم، هشتم و دو دوره پنجم و ششم ریاست جمهوری (هاشمی رفسنجانی) و دوره نهم ریاست جمهوری (احمدی نژاد) به عنوان انتخابات اصول گرایان و انتخابات مجلس سوم و ششم و دوره هفتم ریاست جمهوری (محمد خاتمی) به عنوان انتخابات اصلاح طلبان در نظر گرفته شد. مشارکت استان ها در مجلس پنجم لحاظ نشد، چرا که مجلس پنجم تلفیقی و قرار دادن آن در یک جناح سیاسی دشوار بود. به دلیل عدم کفایت مدل (جدول ۱ تا ۵) در نیل به هدف، گام دوم تحلیل، گرایش جناحی استان ها بر اساس مشارکت بین دوره ای مورد توجه قرار گرفت (جدول ۶ و پهنه بندی اول). در جهت تکمیل و تدقیق تحلیل، گام سوم، مشارکت سیاسی درون دوره ای مد نظر قرار گرفت (جدول ۷ و پهنه بندی دوم). در گام چهارم، از تلفیق داده های جدول ۶ و ۷ جدول ۸ و پهنه بندی سوم ترسیم شد که این جدول در نهایت نمایانگر گرایش جناحی استان ها شد. لازم به ذکر است که کلیه آمارهای مربوط به آرای کاندیداهای هر جناح در استان های کشور که در جدول یک تا ۸ تفاضل آرای آنان محاسبه شده، برگرفته از آمارهای وزارت کشور و ترسیم پهنه بندی های موجود در مقاله بر پایه داده های جداول ۶، ۷ و ۸ است.

۴. یافته‌های پژوهش

جدول ۱. میزان مشارکت استان‌های منطقه ۱

استان‌های منطقه ۱	مجلس چهارم	مجلس هفتم	مجلس هشتم	هاشمی (۱۳۶۸)	احمدی‌نژاد (۱۳۸۴)	میانگین جناح راست	مجلس سوم	مجلس ششم	خاتمی (۱۳۷۶)	میانگین جناح چپ
تهران	۳۹/۳	۳۶/۷	۳۵/۷	۴۹/۵	۶۵/۲	۴۵/۳	۴۳/۲	۴۶/۸	۸۲	۵۷/۳
قزوین	-	-	۵۴/۴	-	۶۷	۷/۶۰	-	۷۰/۴	-	-
مازندران	۵/۶۹	۹/۵۵	۷/۶۴	۸/۵۸	۶۵/۲	۶۲/۸	۷۲	۷۵/۲	۸۰/۲	۷۵/۸
سمنان	۷۱/۹	۵۶/۴	۵۸/۱	۶۶/۹	۷۴/۲	۶۵/۵	۷۷/۵	۷۶/۱	۸۸/۴	۸۰/۶
گلستان	-	۶۶	۷۱/۷	-	۶۰/۵	۶۶	-	۷۸/۶	-	-
قم	-	۵۲/۲	۵۴/۲	-	۷۷/۲	۶۱/۲	-	۶۶	۸۸/۵	۷۷/۲

*منطقه‌بندی که در جدول یک تا پنج صورت گرفته، بر اساس تقسیم‌بندی است که معاون وزیر کشور در سال ۱۳۹۳ آن را اعلام کرده است.

جدول ۲. میزان مشارکت استان‌های منطقه ۲

استان‌های منطقه ۲	مجلس چهارم	مجلس هفتم	مجلس هشتم	هاشمی (۱۳۶۸)	احمدی‌نژاد (۱۳۸۴)	میانگین جناح راست	مجلس سوم	مجلس ششم	خاتمی (۱۳۷۶)	میانگین جناح چپ
اصفهان	۴۹/۴	۴۱/۶	۴۶/۵	۵۲/۴	۵۹/۶	۴۹/۹	۵۹/۸	۶۰/۰۴	۷۷/۵	۶۵/۸
فارس	۵۹/۷	۵۷/۶	۶۳/۹	۵۴/۰۷	۵۸/۲	۵۸/۶	۶۱/۲	۷۳/۱	۸۰/۲	۷۱/۵
بوشهر	۵۶/۵	۶۱	۶۶/۴	۶۰/۲	۶۶/۴	۶۲/۱	۶۲/۲	۷۶/۲	۸۱/۹	۷۳/۴
چهارمحال و بختیاری	۸۲/۳	۷۵/۳	۷۴/۴	۵۷/۴	۶۴/۳	۷۰/۷	۷۴/۸	۸۶/۴	۸۵/۵	۸۲/۲
هرمزگان	۶۰/۳	۶۱/۷	۶۰/۴	۴۷/۹	۶۷/۴	۵۹/۵	۶۲/۲	۷۱/۳	۸۵/۵	۷۳
کهگیلویه و بویر احمد	۸۶/۶	۸۹/۸	۸۷/۵	۶۷/۰۴	۷۶/۱	۸۱/۴	۸۴/۹	۹۶/۵	۸۷/۶	۸۹/۷

جدول ۳. میزان مشارکت استان‌های منطقه ۳

استان‌های منطقه ۳	مجلس چهارم	مجلس هفتم	مجلس هشتم	هاشمی (۱۳۶۸)	احمدی‌نژاد (۱۳۸۴)	میانگین جناح راست	مجلس سوم	مجلس ششم	خاتمی (۱۳۷۶)	میانگین جناح چپ
آذربایجان شرقی	۵۷/۳	۴۵/۲	۵۵/۱	۵۰/۶	۴۶/۱	۵۰/۸	۵۷/۹	۶۷/۲	۶۷/۷	۶۴/۲
آذربایجان غربی	۵۸/۳	۴۲/۳	۵۴/۴	۵۵/۲	۳۷/۱	۴۹/۴	۶۰/۹	۷۱/۹	۷۳/۷	۶۸/۸
اردبیل	۶۸/۲	۵۵/۴	۵۹/۷	-	۴۹	۵۸	-	۷۰/۲	۷۰/۳	۷۰/۲
زنجان	۶۷/۲	۵۹/۸	۶۷/۰۴	۶۰/۴	۶۱/۰۳	۶۳/۱	۷۲/۵	۷۳/۵	۹۳/۷	۷۹/۹
گیلان	۶۲/۸	۵۰/۵	۶۵/۵	۵۲/۴	۵۸/۵	۵۷/۹	۶۵/۳	۷۷/۸	۶۹/۴	۷۰/۸
کردستان	۷۱/۴	۳۲/۲	۴۶/۵	۵۸/۶	۲۴/۹	۴۶/۷	۶۱/۴	۷۰/۱	۷۹/۰۴	۷۰/۱

جدول ۴. میزان مشارکت استان‌های منطقه ۴

استان‌های منطقه ۴	مجلس چهارم	مجلس هفتم	مجلس هشتم	هاشمی (۱۳۶۸)	احمدی‌نژاد (۱۳۸۴)	میانگین جناح راست	مجلس سوم	مجلس ششم	خاتمی (۱۳۷۶)	میانگین جناح چپ
کرمانشاه	۶۳/۲	۵۰/۲	۵۵/۹	۵۳/۲	۵۱/۲	۵۴/۷	۵۲/۱	۷۱/۸	۷۵/۱	۶۶/۳
ایلام	۷۸/۱	۷۳/۰۵	۷۸/۳	۸۵/۳	۶۶/۷	۷۶/۲	۸۳/۸	۸۷/۱	۸۷/۱	۸۶
لرستان	۶۸/۶	۶۲/۳	۶۵/۵	۶۲/۹	۶۰/۴	۶۳/۹	۶۳/۴	۷۸/۰۶	۱۰۶/۴	۸۲/۴
همدان	۶۰/۷	۵۱/۰۸	۵۴/۶	۵۹/۹	۵۷/۵	۵۶/۷	۶۲/۵	۶۸/۷	۷۶/۲	۶۹/۴
مرکزی	۶۴/۹	۴۲/۷	۵۴/۹	۶۰/۷	۶۰/۶	۵۶/۷	۷۶/۷	۶۸/۳	۷۹/۶	۷۴/۸
خوزستان	۷۱/۴	۵۵/۶	۵۴/۴	۵۹/۰۲	۵۱/۲	۵۸/۳	۷۰/۲	۶۷/۵	۸۴/۰۸	۷۳/۹

جدول ۵. میزان مشارکت استان‌های منطقه ۵

استان‌های منطقه ۵	مجلس چهارم	مجلس هفتم	مجلس هشتم	هاشمی (۱۳۶۸)	احمدی‌نژاد (۱۳۸۴)	میانگین جناح راست	مجلس سوم	مجلس ششم	خاتمی (۱۳۷۶)	میانگین جناح چپ
خراسان رضوی	۵۷/۲	۵۷/۵	۶۰/۳	۵۱/۹	۶۳/۹	۵۸/۱	۵۵/۶	۷۳/۱	۸۳/۱	۷۰/۶
خراسان شمالی	۵۷/۲	۵۷/۵	۶۶/۰۵	۵۱/۹	۵۵/۶	۵۷/۲	۵۵/۶	۷۳/۱	۸۳/۱	۷۰/۶
خراسان جنوبی	۵۷/۲	۵۷/۵	۷۷/۷	۵۱/۹	۷۱/۸	۶۳/۱	۵۵/۶	۷۳/۱	۸۳/۱	۷۰/۶
کرمان	۶۳/۷	۶۴/۲	۶۵/۳	۶۲/۹	۷۷/۸	۶۶/۷	۷۰/۱	۷۶/۴	۸۵/۷	۷۷/۴
یزد	۶۳/۵	۴۹/۱	۵۶/۰۴	۶۶/۱	۷۵/۴	۶۲	۷۴/۰۲	۷۰/۸	۹۳/۴	۴۷/۹
سیستان و بلوچستان	۵۳/۲	۷۵/۳	۶۷/۰۹	۳۸/۶	۶۳/۷	۵۰/۵۹	۴۹/۹	۶۸/۷	۶۵/۲	۲/۶۱

در آغاز هدف از ترسیم جدول‌های بالا، نمایش گرایش‌های جناحی استان‌ها بود. بر این اساس انتخابات مجلس چهارم، هفتم، هشتم و دوره اول هاشمی و احمدی‌نژاد به‌عنوان انتخابات اصول‌گرایان و انتخابات مجلس سوم و ششم و ریاست جمهوری خاتمی به‌عنوان انتخابات اصلاح‌طلبان در نظر گرفته شد. محاسبه میانگین میزان مشارکت استان در انتخابات‌های مجلس و ریاست جمهوری در انتخابات‌های منتسب به اصلاح‌طلبان و اصول‌گرایان نشان داد که تمامی استان‌ها به یک جناح سیاسی تمایل پیدا کرده‌اند که این امر مبین فقدان کفایت جدول‌های بالا برای نمایش گرایش جناحی استان‌هاست، اما نتیجه دیگری حاصل شد. هرگاه میزان مشارکت انتخاباتی در جامعه افزایش یابد، شانس اصلاح‌طلبان برای پیروزی در رقابت انتخاباتی افزایش پیدا می‌کند. برای مثال، استانی مانند کردستان که میزان مشارکت آن در ده دوره ریاست جمهوری ۴۹/۲۴ درصد بوده، در زمان انتخابات اصلاح‌طلبان میزان مشارکت به ۷۰/۱ (جدول ۳) رسیده است. به دلیل مناسب

نبودن جدول‌های ذکر شده برای تأمین هدف مقاله، در این خصوص تدبیری اندیشیده شد تا برپایه آن، امکان تشخیص گرایشات جناحی استان‌ها میسر شود. بر این اساس مشارکت بین‌دوره‌ای و درون‌دوره‌ای استان‌های کشور از دوره هفتم تا یازدهم ریاست جمهوری مورد بررسی قرار گرفت.

جدول ۶. تفاضل آرای رؤسای جمهور منتخب بر اساس مشارکت بین‌دوره‌ای

استان	خاتمی (۱۳۷۶) احمدی‌نژاد (۱۳۸۴)	میان میان	خاتمی (۱۳۸۰) احمدی‌نژاد (۱۳۸۸)	میان میان	احمدی‌نژاد (۱۳۸۴) روحانی (۱۳۹۲)	میان میان	احمدی‌نژاد (۱۳۸۴) روحانی (۱۳۹۲)	میان میان	احمدی‌نژاد (۱۳۸۸) روحانی (۱۳۹۲)	میان میان	جمع جبری مشارکت بین‌دوره‌ای
آذربایجان شرقی	۲۱/۶	۳/۲۵	-۲۸/۶	-۱۱/۸۸	۴۱/۲۱	۳/۶۲	-۱۲/۲۵	-۵/۲۶	-۰/۴۸	۱۱/۵۲	۱/۲۶
آذربایجان غربی	۳۶/۶	۱۸/۲۵	-۱۴/۵	۲/۲۷	۱۶/۴۱	۵۴	۱۶/۴۱	۲/۸۳	۱۶/۱۷	۲۸/۱۸	۷۴/۹۲
اردبیل	۲۱/۴	۳/۰۵	-۲۱/۸	-۵/۰۴	۵۱/۸۹	۱۴/۳	-۴/۰۷	۲/۹۲	۸/۰۶	۲۰/۰۶	۳۵/۲۹
اصفهان	۱۷/۸	-۰/۵۵	-۳۷/۴	-۱۰/۶۸	۰/۲۸	-۳۷/۳۱	-۳۷/۸۹	-۲۰/۹۰	-۲۴/۲۹	-۱۲/۲۸	-۸۱/۷۲
ایلام	۲۰/۴	۲/۰۵	-۱۰/۳	۲/۹۳	۶/۴۱	۳۳/۶۱	۵/۵۱	۲/۷۱	۹/۷۰	۲/۰۸	۲۵/۷۵
بوشهر	۱۵/۴	-۲/۹۵	-۱۳/۸	۲/۹۳	۳۲/۶۱	-۴/۹۸	-۳/۶	۳/۳۹	-۸/۳۹	۳/۶۲	۲
تهران	۱۶/۸	-۱/۵۵	-۱۷/۵	-۰/۷۶	۱۸/۲۲	-۱۹/۳۷	-۱۴/۲۴	-۷/۲۵	-۱/۲۲	۱۰/۷۸	-۱۸/۱۵
چهارمحال و بختیاری	۲۱/۳	۲/۹۵	-۲۲/۶	-۵/۸۴	۹/۷۲	-۲۷/۸۷	-۳۹/۷۲	-۳۲/۷۳	-۴۰/۴۲	-۲۸/۴۲	-۹۱/۹۰
خراسان	۱۹/۶	۱/۲۵	-۱۰/۷	۶	۲۸	-۳۷/۵۷	-۲۰/۵/	۶/۹۹	-۲۷/۴	۱۲	-۱۱/۳۴
خوزستان	۲۳/۹	۵/۵۵	-۱۳/۵	۳/۲۴	۱۸/۲۲	-۱۹/۳۷	-۲۷/۶۷	-۲۰/۶۸	-۳۰/۸۴	-۱۸/۸۴	-۵۰/۰۹
زنجان	۳۲/۸	۱۴/۴۵	-۲۳/۸	-۷/۰۶	۲۸/۶۸	-۸/۹۱	-۱۸/۸۶	-۱۱/۸۷	-۲۷/۱۴	-۱۵/۱۴	-۲۸/۵۳
سمنان	۱۴/۳	-۴/۰۵	-۹/۸	۱۶/۷۲	۱۰/۳۴	-۲۷/۲۵	-۲۸/۱	-۲۱/۱۱	-۳۳/۵۰	-۲۱/۵۰	-۵۷/۱۸
سیستان و بلوچستان	۱/۵	-۱۶/۸۵	-۵/۱	۱۱/۶۳	۶۶/۵۱	۲۸/۹۲	۲۷/۶۱	۳۴/۶۰	۲۷/۹۸	۳۹/۹۸	۹۸/۲۸
فارس	۲۲	۳/۶۵	-۲۰/۷	-۴	۴۳/۲۸	۵/۶۹	-۰/۶۷	۶/۳۲	-۱۳/۰۲	-۱/۰۲	۱۰/۶۴
قزوین	استان نبوده است	-۱۸/۳۵	-۱۷/۷	-۰/۹۹	۲۷/۱	-۱۰/۴۹	-۲۲/۹۹	-۱۶	-۲۲/۱۳	-۱۰/۱۲	-۵۵/۹۶
قم	۱۱/۲	-۷/۱۵	-۱۴/۳	۲/۳۹	۱۶/۲۸	-۲۱/۳۱	-۳۶	-۲۹/۰۱	-۳۳/۴۲	-۲۱/۴۲	-۷۶/۴۹
کردستان	۵۴	۳۵/۶۵	-۱۱/۳	۵/۴۶	۶۰/۵۴	۲۲/۹۵	۱۶/۷۴	۲۳/۷۳	۱۴/۶۵	۲۶/۶۶	۱۱۴/۴۵
کرمان	۷/۸	-۱۰/۵۵	-۱۶/۷	۰/۰۰	۵۶/۹۳	۱۹/۳۴	۷/۳۰	۱۴/۲۹	-۱۹/۲۰	-۷/۲۰	۱۵/۸۸
کرمانشاه	۲۳/۹	۵/۵۵	-۱۶/۳	-۰/۴۶	۴۷/۹۱	۱۰/۳۲	۸/۴۷	۱۵/۴۶	-۱/۲۲	۱۰/۷۸	۴۲/۵۷
کهگیلویه و بویر احمد	۱۱/۵	-۶/۸۵	-۱۱/۹	۴/۸۰	۳۷/۵۲	-۱۰/۰۷	-۲۲/۷۴	-۱۵/۷۵	-۳۰/۵۹	-۱۸/۵۸	-۴۶/۴۶
گلستان	استان نبوده است	-۱۸/۳۵	-۷/۸	۸/۹۴	۵۰/۴۸	۱۲/۸۹	۴/۸۴	۱۱/۸۳	-۰/۳۸	۱۱/۶۲	۲۶/۹۴
گیلان	۱۱	-۷/۳۵	-۲۹/۱	-۱۲/۴۲	۴۳/۹۳	۶/۳۴	-۸/۳۷	-۱/۳۸	-۱۱/۲۵	۰/۷۵	-۱۴/۰۶

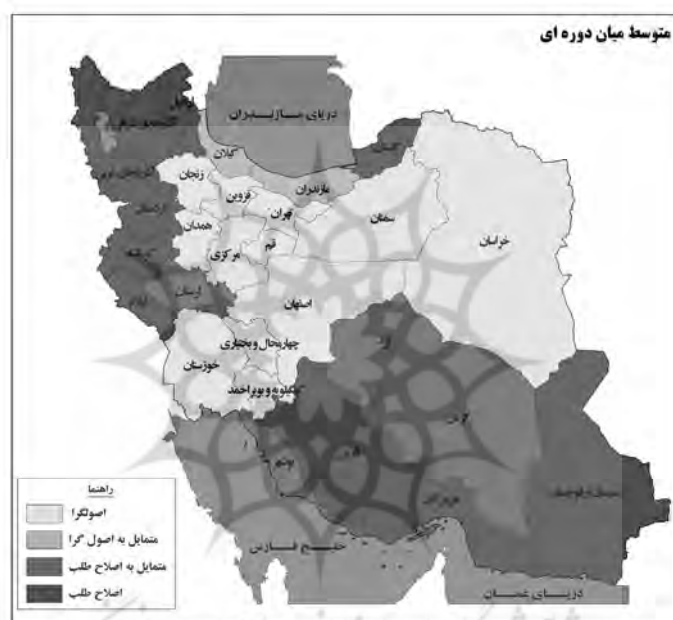
ادامه جدول ۶. تفاضل آرای رؤسای جمهور منتخب بر اساس مشارکت بین دوره‌ای

۱۵/۱۳	-۱۲/۱۴	-۳۴/۱۴	۳/۴۵	-۳/۵۴	۰/۰۰	۳۷/۵۹	-۳/۹۳	-۲۰/۷	۳۷/۷۵	۴۶/۱	لرستان
-۷/۵۱	۲/۴۲	-۹/۵۹	۰/۰۰	-۶/۹۹	۸/۳۹	۴۵/۹۸	-۱۴/۹۷	-۳۱/۷	-۳/۳۵	۱۵	مازندران
-۶۲/۵۸	-۱۶/۶۰	-۲۸/۶۱	-۱۸/۴۱	-۲۵/۴۰	-۲۰/۱۰	۱۷/۴۹	-۸/۱۱	-۲۴/۸	۰/۶۵	۱۹	مرکزی
۱۱/۷۲	-۰/۷۶	-۱۲/۷۶	۰/۰۰	-۶/۹۹	۲/۰۸	۳۹/۶۷	۱۰/۷۴	-۶	-۰/۳۵	۱۸	هرمزگان
-۴۲/۲۳	-۱۴/۲۴	-۲۶/۲۴	-۱۴/۵۲	-۲۱/۵۱	-۱۲/۴۶	۲۵/۱۳	-۱/۳۷	-۱۸/۱	۰/۳۵	۱۸/۷	همدان
۲۵/۸۷	۲۲/۷۶	۱۰/۷۶	۶/۲۴	-۰/۷۵	-۸/۴۹	۲۹/۱	۵/۸۰	-۱۰/۹	-۰/۴۵	۱۷/۹	یزد

جدول فوق، محصول محاسبه تفاضل مشارکت سیاسی استان‌ها از دوره هفتم تا یازدهم ریاست جمهوری است. دلیل قرار دادن نقطه بررسی در دوره حاضر، شکل‌گیری جناح راست و چپ سیاسی ایران^۱ با جدایی مجمع روحانیون مبارز از جامعه روحانیت مبارز در سال ۶۷-۱۳۶۶ بود که اثر چشمگیر و بارز آن در انتخابات هفتم ریاست جمهوری افکار عمومی جامعه را به شدت تحت تأثیر قرار داد. البته نقطه آغازین این تأثیر از انتخابات مجلس سوم بود که در بررسی حاضر به دلیل آنکه صرفاً بر انتخابات ریاست جمهوری تأکید شده، مشارکت انتخاباتی از دوره هفتم تا یازدهم ریاست جمهوری لحاظ شده است. در هریک از این دوره‌ها، در هر استان تفاضل میزان مشارکت کاندیدای اول یک جناح در یک دوره با کاندیدای اول یک جناح دیگر در دوره بعد محاسبه شد. به عنوان مثال، خاتمی (دوره هفتم) با احمدی‌نژاد (دوره نهم)، خاتمی (دوره هشتم) با احمدی‌نژاد (دوره دهم)، احمدی‌نژاد (مرحله اول و دوم دوره نهم) با روحانی (دوره یازدهم) و احمدی‌نژاد (دوره دهم) با روحانی (دوره یازدهم). برای محاسبه تفاضل‌ها، میزان مشارکت اصلاح‌طلبان از اصول‌گرایان کسر شد و تفاضل‌ها از بیشترین به کمترین مرتب شدند. به عنوان نمونه درصد رأی تهرانی‌ها به خاتمی در سال ۱۳۷۶ از درصد رأی تهرانی‌ها به احمدی‌نژاد در سال ۱۳۸۴ کسر شد و عدد تفاضل آرا این دو ثبت شد. برای همه استان‌ها در تمام دوره‌ها چنین عملیاتی انجام شد و همیشه درصد آرای کاندید اصلاح‌طلب عدد اول و درصد آرای کاندید اصول‌گرا عدد دوم قرار گرفت و تفاضل این دو محاسبه شد. بر این اساس هر قدر عدد تفاضل بزرگ‌تر، گرایش به اصلاح‌طلبی بیشتر و هر چه این عدد کمتر و یا منفی، گرایش به اصول‌گرایی بیشتر بوده است.

۱. راست و چپ ایران متفاوت از راست و چپ جهانی است و تقریباً در دهه هفتاد بیشتر دو جناح سیاسی با این عنوان خوانده شدند و در حال حاضر جناح‌های سیاسی در ایران با عنوان اصلاح‌طلب و اصول‌گرا خوانده می‌شوند.

در مرحله بعد، برای هر دوره طیفی از تفاضل آرا، جدول ۶ ترسیم شد که اعداد تفاضل به ترتیب از بزرگ به کوچک مرتب شدند و با محاسبه میانه، وسط طیف معلوم شد و اعداد بالای میانه گرایش به اصلاح‌طلبی و اعداد پایین میانه گرایش به اصول‌گرایی را نشان دادند. همان‌طور که در جدول ۶ نمایش داده شده، در کنار هر ستون تفاضل آرا، یک ستون میانه وجود دارد که ستون انتهایی جمع جبری میانه‌ها را نشان می‌دهد. بر اساس این ستون، پهنه‌بندی مشارکت سیاسی بین دوره‌ای به صورت ذیل به نمایش در آمد.



شکل ۱. پهنه‌بندی مشارکت سیاسی بین دوره‌ای

شایان ذکر است که در مشارکت بین دوره‌ای، متغیر زمان و تحولات اجتماعی رخ داده ممکن سبب ایجاد تعصب یا سوگیری گردد. بنابراین در جدول پیش رو، گرایش جناحی استان‌ها بر اساس مشارکت درون دوره‌ای لحاظ شد.

جدول ۷. تفاضل آرای رؤسای جمهور منتخب و نفر دوم دوره هفتم تا یازدهم ریاست جمهوری بر اساس

مشارکت درون دوره‌ای

استان	دوره هفتم (۱۳۷۶) خاتمی و ناطق نوری	مرحله اول دوره نهم (۱۳۸۴) هاشمی و احمدی نژاد	مرحله دوم دوره نهم (۱۳۸۴) هاشمی و احمدی نژاد	دوره دهم (۱۳۸۸) موسوی و احمدی نژاد	دوره یازدهم (۱۳۹۲) قالیباف و روحانی	میان	جمع جبری مشارکت درون دوره‌ای
آذربایجان شرقی	۴۲/۱۲	-۴/۲۰	۵/۱۵	۰/۷۱	-۳۸/۴۳	-۱۱/۸۰	۱۶/۶۵
آذربایجان غربی	۵۵/۵۱	۹/۱۹	۹/۳	۴/۵۹	-۲۴/۹۷	۱/۶۶	۶۷/۲۵
اردبیل	۵۱/۶۰	۵/۲۹	۱۲/۴۸	۸/۰۳	-۲۸/۱۹	-۱/۵۶	۵۵/۵۳
اصفهان	۴۵/۲۴	-۰/۹۷	-۲۹/۴۴	-۳۳/۸۸	-۴۶/۰۵	-۱۹/۴۲	-۵۷/۹۱
ایلام	۶۶/۱۷	۱۹/۸۶	۲/۷۴	-۱/۷۱	-۵/۴	۲۱/۲۲	۳۹/۰۸
بوشهر	۷۱/۲۶	۲۴/۹۵	۳/۵۸	-۰/۸۷	-۱۴	۱۲/۶۲	۶۷/۸۲
تهران	۶۰/۹۱	۱۴/۶۰	-۴/۳۲	-۸/۷۷	-۲۴/۴۹	۲/۱۴	۴۵/۶۷
چهارمحال و بختیاری	۲۶/۳۴	-۱۹/۹۲	-۶/۱۹	-۱۰/۶۳	-۴۵/۳۲	-۱۸/۷۰	-۷۴/۷۳
خراسان	۲۴/۱۳	-۲۲/۱۸	۳/۹	۱/۳۴	-۲۷/۲	-۲/۷۲	-۳۷/۵۵
خوزستان	۷۰/۵۱	۲۴/۲۰	۵/۵۵	۱/۱۱	-۲۵/۰۶	۱/۵۶	۷/۶۰
زنجان	۳۱	-۱۵/۳۱	۳/۷۴	-۰/۷۱	-۳۷/۱۴	-۱۰/۵۲	-۳۹/۹۴
سمنان	۳۶/۶۷	-۹/۶۴	-۹/۵۶	-۱۴	-۴۵/۵۲	-۱۸/۹۰	-۶۵/۳۵
سیستان و بلوچستان	۵۷/۹۲	۱۱/۶۱	۱۲/۲۸	۷/۸۴	۸/۹۸	۳۵/۶۰	۸۷/۳۷
فارس	۶۴/۲۸	۱۷/۹۶	۸/۷۲	۴/۲۸	-۱۶/۶۹	۹/۹۴	۵۵/۸۶
فروین	۴۷/۱۶	۰/۸۴	-۱/۸۲	-۶/۲۶	-۴۷/۳۵	-۲۰/۷۲	-۲۳/۲۲
قم	۲۶/۱۶	-۲۰/۱۵	-۳۱/۷	-۳۶/۱۵	-۴۸/۱۱	-۲۱/۴۸	-۸۷/۲۶
کردستان	۴۴/۴۳	-۱/۸۹	۸/۲۰	۳/۷۶	-۷/۲۳	۱۹/۴۰	۳۶/۵۶
کرمان	۳۷/۹۹	-۱۸/۳۳	۲/۹۳	-۱/۵۲	-۲/۷۴	۲۳/۸۸	۶/۳۲
کرمانشاه	۶۸/۱۷	۲۱/۸۶	۸/۷۴	۴/۳۰	-۱/۵۷	۲۵/۰۶	۷۷/۴۲
کهگیلویه و بویر احمد	۲۲/۲۹	-۲۴/۰۳	۶/۸۴	۲/۴۰	-۲۳/۷۵	۲/۸۸	-۱۶/۷۵
گلستان	۲۴/۵۵	-۲۱/۷۶	۱۳/۵۲	۹/۰۷	-۹/۳۳	۱۷/۳۰	۲۰/۰۶
گیلان	۵۶/۷۸	۱۰/۴۷	۶/۲۶	۱/۸۱	-۳۱/۳۶	-۴/۷۴	۱۶/۰۱
لرستان	-۸/۱۴	-۵۴/۴۶	۶/۳۰	۱/۸۶	-۱/۹۳	۲۴/۷۰	-۳۱/۰۶
مازندران	-۲۵/۴۰	-۷۱/۷۱	-۱۱/۱	۶/۶۶	-۳۱/۰۶	-۴/۴۴	-۶۷/۷۹
مرکزی	۴۵/۴۷	-۰/۸۴	-۳/۰۷	-۷/۵۲	-۴۱/۳۷	-۱۴/۷۴	-۲۵/۵۴
هرمزگان	۶۲/۴۰	۱۶/۰۸	-۰/۷۴	-۵/۱۸	-۲۱/۹۷	۴/۶۶	۱۱/۴۵
همدان	۵۱/۳۸	۵/۰۶	-۲/۳۲	-۶/۷۶	-۴۲/۷۹	-۱۶/۱۶	-۳۷/۹۳
یزد	۷۲/۶۴	۲۶/۳۳	-۲۰/۵۱	-۲۴/۹۶	-۳۶/۰۴	-۹/۴۲	۱۵/۹۴

جدول فوق محصول محاسبه تفاضل مشارکت سیاسی درون دوره‌ای دوره ریاست جمهوری خاتمی- دور اول- و ناطق نوری (دوره هفتم)، هاشمی و احمدی نژاد (دوره نهم مرحله اول و دوم)، احمدی نژاد و موسوی (دوره دهم) و روحانی و قالیباف (دوره یازدهم) استان‌ها از دوره هفتم تا دوره یازدهم ریاست جمهوری است. در هر یک از این دوره‌ها، تفاضل میزان مشارکت کاندیدای اول با دوم هر دوره که معمولاً هر یک نماینده جناحی سیاسی هستند،

محاسبه شد و طبق روال پیشین برای محاسبه تفاضل‌ها در هر استان درصد مشارکت کاندید منتخب اصلاح‌طلبان از کاندید منتخب اصول‌گرایان کسر شد و اعداد تفاضل از بیشترین به کمترین مرتب و وسط طیف با آماره میانه محاسبه شد و اعداد بالای میانه گرایش، به اصلاح‌طلبی و اعداد پایین میانه نمایانگر گرایش به اصول‌گرایی بودند. لازم به ذکر است که در یک یا دو انتخابات اعداد کلیه استان‌ها منفی درآمدند. به عبارت دیگر، گرایش تمامی یا اکثر استان‌ها به اصول‌گرایی بوده که البته باز تفاضل‌ها محاسبه شدند. به سخن دیگر، بر اساس اعداد به دست آمده حتی در این دوره‌های خاص برخی اصول‌گراتر از بقیه بوده‌اند و برخی دیگر با وجود منفی بودن، اما گرایش جناحی آنها اصلاح‌طلبی بوده است. این مورد درباره جدول پیشین (مشارکت بین دوره‌ای) نیز وجود دارد. همان‌طور که در جدول ۷ و ۸ آمده، در کنار ستون اعداد تفاضل برای هر دوره ستون میانه قرار دارد که جمع جبری میانه‌ها در آخرین ستون مبنای ترسیم پهنه‌بندی مشارکت درون دوره‌ای است که در ادامه آمده است.



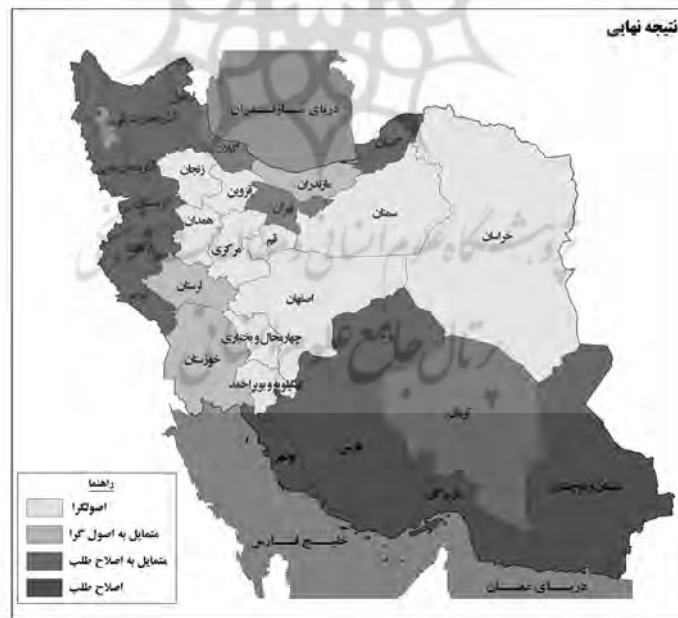
شکل ۲. پهنه‌بندی مشارکت سیاسی بین دوره‌ای

جدول ۸. مشارکت کل (مشارکت درون و بین دوره‌ای) استان‌های کشور

نام استان	جمع جبری مشارکت بین دوره‌ای	جمع جبری مشارکت درون دوره‌ای	جمع جبری مشارکت کل (درون و بین دوره‌ای)
آذربایجان شرقی	۱/۲۶	۱۶/۶۵	۸/۹۵
آذربایجان غربی	۷۴/۹۲	۶۷/۲۵	۷۱/۰۹
اردبیل	۳۵/۲۹	۵۵/۵۳	۴۵/۴۱
اصفهان	-۸۱/۷۲	-۵۷/۹۱	-۶۹/۸۱
ایلام	۲۵/۷۵	۳۹/۰۸	۳۲/۴۲
بوشهر	۲	۶۷/۸۲	۳۴/۹۱
تهران	-۱۸/۱۵	۴۵/۶۷	۱۳/۷۶
چهارمحال و بختیاری	-۹۱/۹۰	-۷۴/۷۳	-۸۳/۳۲
خراسان	-۱۱/۳۴	-۳۷/۵۵	-۲۴/۴۵
خوزستان	-۵۰/۰۹	۷/۶۰	-۲۱/۲۵
زنجان	-۲۸/۵۳	-۴۹/۹۴	-۳۹/۲۳
سمنان	-۵۷/۱۸	-۶۵/۳۵	-۶۱/۲۶
سیستان و بلوچستان	۹۸/۲۸	۸۷/۳۷	۹۲/۸۳
فارس	۱۰/۶۴	۵۵/۸۶	۳۳/۲۵
قزوین	-۵۵/۹۶	-۲۳/۲۲	-۳۹/۵۹
قم	-۷۶/۴۹	-۸۷/۲۶	-۸۱/۸۸
کردستان	۱۱۴/۴۵	۳۶/۵۶	۷۵/۵۰
کرمان	۱۵/۸۸	۶/۳۲	۱۱/۱۰
کرمانشاه	۴۲/۵۷	۷۷/۴۲	۶۰
کهگیلویه و بویر احمد	-۴۶/۴۶	-۱۶/۷۵	-۳۱/۶۰
گلستان	۲۶/۹۴	۲۰/۰۶	۲۳/۵۰
گیلان	-۱۴/۰۶	۱۶/۰۱	۰/۹۷
لرستان	۱۵/۱۳	-۳۱/۰۶	-۷/۹۶
مازندران	-۷/۵۱	-۶۷/۷۹	-۳۷/۶۵
مرکزی	-۶۲/۵۸	-۲۵/۵۴	-۴۴/۰۶
هرمزگان	۱۱/۷۲	۱۱/۴۵	۱۱/۵۸
همدان	-۴۲/۲۳	-۲۷/۹۳	-۳۵/۰۸
یزد	۲۵/۸۷	۱۵/۹۴	۲۰/۹۰

در نهایت از برآیند مشارکت درون دوره‌ای و بین دوره‌ای، مشارکت کل حاصل شد. به

عبارت دیگر، ده طیف با هم مورد مقایسه قرار گرفتند و به لحاظ آماری جمع جبری مشارکت بین و درون‌دوره‌ای، جمع مشارکت کل را تشکیل داد و برپایه آن، پهنه‌بندی مشارکت کل (درون و بین‌دوره‌ای) ترسیم شد. در مشارکت بین و درون‌دوره‌ای و همچنین مشارکت کل، گرایش جناحی استان‌های کشور با مقایسه ۵ طیف در مشارکت درون‌دوره‌ای، ۵ طیف در مشارکت بین‌دوره‌ای و ۱۰ طیف در مشارکت کل به‌طور فازی در نظر گرفته شد. به‌عنوان نمونه، استان‌هایی مثل کردستان، سیستان و بلوچستان، کرمانشاه و برخی دیگر هم در مشارکت درون‌دوره‌ای و هم در مشارکت بین‌دوره‌ای همیشه گرایش به اصلاح‌طلبی داشته‌اند و عدد تفاضل آنها به نفع اصلاح‌طلبان زیاد بوده است. برخی استان‌ها مثل قم، قزوین، سمنان و برخی دیگر هم در مشارکت درون و هم بین‌دوره‌ای همیشه گرایش به اصول‌گرایی داشته‌اند و عدد تفاضل آنها بسیار کم و یا منفی بوده است. برخی از استان‌ها مثل تهران، کرمان، مازندران و برخی دیگر در میانه طیف قرار دارند. به عبارت دیگر، در این استان‌ها در برخی دوره‌ها رأی اصلاح‌طلب‌ها بالاتر و در مواردی دیگر رأی اصول‌گرایان بالاتر بوده است. بنابراین استان‌های میانه طیف متمایل به اصول‌گرایی و یا اصلاح‌طلبی معرفی شدند.



شکل ۳. مشارکت کل (درون و بین دوره‌ای)

۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در جامعه ایران هرچه مشارکت بالاتر می‌رود، شانس اصلاح‌طلبان برای پیروزی در میدان رقابت بالاتر خواهد رفت. این شرایط مشابه وضعیتی است که استان‌ها و اقشاری از جامعه ایران که موقعیت خود را حاشیه‌ای می‌دانند، به این نتیجه برسند که مشارکتشان تأثیر قابل توجهی بر سرنوشت جامعه خواهد داشت. بنابراین حمایت این اقشار از یک جناح سیاسی که در ایران عمدتاً اصلاح‌طلب‌ها بوده‌اند، موفقیت آنها را در برخی برهه‌های انتخاباتی رقم زده است. چندین نکته از پهنه‌بندی‌های فوق استنباط می‌شود:

- استان‌هایی که در مرکز ایران قرار دارند، عمدتاً گرایش به اصول‌گرایی و استان‌های مرزی و قومیتی گرایش به اصلاح‌طلبی دارند که این نکته قابل تأملی است. بنابراین نفوذ اصلاح‌طلبان در استان‌های مرزی و قومیتی به مراتب بالاتر از اصول‌گرایان است. تاریخ تحولات اجتماعی ایران از رخداد جنبش‌های قومی در این جامعه حکایت دارد، بنابراین پتانسیل این امر در جامعه ما وجود دارد که اگر این عنصر بالقوه با تاکتیک‌های مناسب سیاسی مدیریت نشود، به شرط وجود شروط دیگر، ممکن است بالفعل شود و جامعه ایران را دستخوش تحولات غیرقابل جبرانی نماید. اصلاح‌طلبان به دلیل داشتن نفوذ سیاسی در این بخش از جامعه، ظرفیت مناسبی برای جلوگیری از بالفعل شدن پتانسیل واگرایانه نقاط مذکور دارند، بنابراین نقش جناح مذکور در مدیریت این حوزه بسیار برجسته خواهد بود.

- اگر به صورت فازی به نتایج حاصل (مشارکت درون‌دوره‌ای، بین‌دوره‌ای و مشارکت کل) بنگریم، برخی استان‌ها نظیر اردبیل، آذربایجان غربی، آذربایجان شرقی، کردستان، کرمانشاه، ایلام، هرمزگان، سیستان، فارس، گلستان در تمام انتخابات‌های دوره هفتم تا یازدهم ریاست جمهوری «اصلاح‌طلب» و استان‌هایی نظیر قم، قزوین، زنجان، سمنان، همدان، مرکزی، اصفهان، خراسان، چهارمحال و بختیاری و کهگیلویه و بویراحمد در تمام انتخابات‌های دوره هفتم تا یازدهم ریاست جمهوری «اصول‌گرا» بوده‌اند. لازم به ذکر است که استان‌های تهران، گیلان، مازندران، لرستان، یزد، خوزستان و کرمان، در شرایط بنیابین قرار داشته که از این میان استان‌های، تهران، گیلان و کرمان دارای تمایل بیشتر به اصلاح‌طلبی و استان‌های لرستان، خوزستان و مازندران متمایل به اصول‌گرایی بوده‌اند.

تهران از جمله استان‌هایی است که در وضعیت بنیابین قرار دارد. این استان به دلیل

وسعت جمعیت و موقعیت محوری، نقش مهم و تعیین کننده در انتخابات دارد، تا آنجا که میزان مشارکت آن قابلیت تعمیم دارد. اما موقعیت استراتژیک تهران نباید چنان مقهورکننده شود که مشارکت سایر استان‌ها نادیده گرفته شود. توجه به رأی تهران و موقعیت بینابین آن برای گروه‌های سیاسی بسیار سرنوشت‌ساز است. به‌عنوان مثال، در انتخابات‌های درون‌دوره‌ای، گرایش به اصلاح‌طلبی و در انتخابات‌های بین‌دوره‌ای گرایش به اصول‌گرایی دارد و با بررسی دقیق‌تر در انتخابات درون‌دوره‌ای ملاحظه می‌گردد که رأی تهران در دوره نهم (احمدی نژاد) مرحله اول و مرحله دوم متمایل به اصول‌گرایی و در دوره هفتم و یازدهم متمایل به اصلاح‌طلبی است.

همچنین با مذاقه بیشتر و مقایسه انتخابات ریاست جمهوری ملاحظه می‌شود که دوره دهم (احمدی نژاد) با دوره یازدهم (روحانی) متمایل به اصول‌گرایی، دوره هفتم (خاتمی) با دوره نهم (احمدی نژاد) متمایل به اصلاح‌طلبی، دوره هشتم (خاتمی) با دوره دهم (احمدی نژاد) متمایل به اصول‌گرایی، مرحله اول دوره نهم (احمدی نژاد) با دوره یازدهم (روحانی) متمایل به اصلاح‌طلبی و مرحله دوم دوره نهم (احمدی نژاد) با دوره یازدهم (روحانی) متمایل به اصول‌گرایی است. بنابراین تمرکز بر روی رأی تهران و توجه به اقلشار حاشیه‌ای، نقش تعیین کننده‌ای در سرنوشت جناحی خواهد داشت.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

۱. آل غفور، سید محمدتقی (۱۳۸۸). «ساختار، عامل و مشارکت سیاسی»، رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، شماره ۱۸.
۲. برزین، سعید (۱۳۷۷). «جناح‌بندی سیاسی در ایران از دهه ۱۳۶۰ تا دوم خرداد ۱۳۷۶»، تهران: نشر مرکز.
۳. بشیریه، حسین (۱۳۸۱). دیباچه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران، تهران: نگاه معاصر.
۴. پناهی، محمدحسین (۱۳۸۶). مشارکت سیاسی زنان در ایران، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
۵. پیشگاهی فرد، زهرا (۱۳۷۲). «جغرافیای انتخابات»، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۳۳.
۶. تیلی، چارلز (۱۳۸۵). از بسیج تا انقلاب، ترجمه علی مرشدی‌زاد، تهران: پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی.
۷. سهرابلو، پدرام (۱۳۹۰). «تولد چپ و راست»، ماهنامه سیاسی فرهنگی نسیم بیداری، سال دوم، شماره ۱۷.
۸. شادلو، عباس (۱۳۸۱). تکثرگرایی در جریان اسلامی ناگفته‌های تاریخی از علل پیدایش جریان راست و چپ مذهبی ۸۰-۱۳۶۰، تهران: نشر وزرا.
۹. فاضلی، محمد و غلامرضا خوشفر (۱۳۸۹). «مشارکت سیاسی در استان گلستان»، مجله مطالعات اجتماعی ایران، شماره ۱۱: ۱۵۱-۱۳۴.
۱۰. فوران، جان و جف گودوین (۱۳۸۵). «دیکتاتوری یا دموکراسی / پیامدهای انقلاب در ایران و نیکاراگوئه»، مطالعاتی نظری، تطبیقی و تاریخی در باب انقلاب‌ها، جک گلدستون، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: کویر.
۱۱. کاویانی راد، مراد (۱۳۸۶). «جغرافیای انتخابات»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال دهم، شماره سوم، شماره مسلسل ۳۷.
۱۲. معمار، رحمت‌الله (۱۳۸۷). «توسعه‌یافتگی و مشارکت سیاسی»، مسائل اجتماعی ایران، سال ۱۶، شماره ۶۳، زمستان.
۱۳. مقصودی، مجتبی (۱۳۸۵). «مشارکت انتخاباتی اقوام در ایران، مطالعه موردی انتخابات ریاست جمهوری»، فصلنامه مطالعات ملی، ۲۸ سال هفتم، شماره ۴.
۱۴. موسوی، سیدنظام‌الدین (۱۳۸۵). انتخابات نهم ریاست جمهوری، تهران: انتشارات مراکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۵. هاشمی، سیدضیا و دیگران (۱۳۸۸). «عوامل اجتماعی و روانی مؤثر بر مشارکت سیاسی مردم شهر تهران»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال پنجم، شماره ۱.

ب) منابع لاتین

1. Agnew, John A. (1990). From Political Methodology to Geographical Social Theory, a Critical Review of Electoral Geography, 1960-78 in developments of electoral geography, London & Newyork, Routledge.
2. Flint, Colin (1996). "Whiter the Individual, Whiter the Context Political geography", vol.15, No.2:147-151 .
3. Lech & Haydukiewicz (2011). "Electoral Geography as a New Mean of Analyzing Social Change", Krakow city and Malopoleskie Viovodship Case study, Boullton of geography, socio economic series, No. 15.
4. Macgin, Christofer (2012). "The Electoral Geography of Provisional Ballots in North
5. Pattie, Charls & Ron, Gohnston (2007). Need Title, encyclopedia of sociology .
6. Prescottte, J. R. V. (1959). "The Functions of Methods of Electoral Geography", annals of association of American Geographers, 49, issue 3: 296-304.
7. Taylor, Peter, J. & Ronald, Johnston (1979). Geography of Election, London, Crom Helm .
8. Vandermotten, Christian and Lockhart, Pablo, Medina (2000). "Electoral Geography of Western European", Geojournal, oct, 52, 2 proquest: 93.
9. Zimmerman, Ekart (1990). "On The Outcomes of Revolutions: Some Preliminary Considerations", sociological theory, vol.8, No. 1.